

تاریخ: ۱۳۹۷/۰۷/۲۲

موضوع: اشتراکات شیعه و سنی در گرامیداشت حضرت سیدالشهداء

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله أفوض أمری إلى الله إن الله بصير بالعباد حسبنا الله و نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير رب أدخلنى مدخل صدق و أخرجنى مخرج صدق و اجعلنى من لدنك سلطانا نصيرا

ایام عزاداری سرور آزادگان، حضرت سیدالشهدا را به پیشگاه مقدس مولایمان حضرت بقیة الله الأعظم و همه علاقه‌مندان و محبان اهل بیت عصمت و طهارت و شما گرامیان تعزیت و تسلیت عرض می‌کنم.

خدا را به آبروی حضرت سیدالشهدا و اهل بیتش سوگند می‌دهیم پاداش ما را فرج موفور السرور مولایمان حضرت ولی عصر قرار بدهد، ان شاء الله.

همانطور که اعلام شد اشتراکات شیعه و سنی در گرامیداشت سرور آزادگان حضرت سیدالشهدا (سلام الله علیه)، موضوع بحث این جلسه ماست.

ما در رابطه با حضرت سیدالشهدا و همچنین امام حسن مجتبی میان شیعه و سنی اشتراکات زیادی داریم؛ جز موضوع «امامت» و ولایتی که ما برای اهل بیت قائل هستیم. گرچه آن‌ها این مقام را برای اهل بیت و حضرت سیدالشهدا و امام حسن مجتبی قائل نیستند، اما با تمام این احوالات، اعتراف دارند که ائمه اطهار از حضرت سیدالشهدا تا امام حسن عسکری در عصر خودشان شخصیت بی‌نظیری بودند و صلاحیت امامت و ولایت را داشتند.

«ذهبی» که یکی از استوانه‌های علمی اهل سنت و متوفای ۷۴۸ هجری است، با اینکه به تعبیر شاگردش «سخاوی» روحیه ناصبی دارد، ولی نسبت به ائمه اطهار اعم از امام سجاد، امام باقر، امام صادق می‌گوید: تک تک ائمه اطهار «یصلح للإمامة».

سیر أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبي أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - ۱۴۱۳، الطبعة: التاسعة، تحقیق: شعيب الأرنؤوط محمد نعیم العرقسوسی؛ ج ۱۰، ص ۱۰۵ و ج ۱۳، ص ۱۲۰

در میان اهل سنت ما جز یکی دو نفر معاند همانند «ابن خلدون»؛ نداریم که نسبت به وثاقت و عدالت تام ائمه اطهار کوچک‌ترین شبهه و ربیبی داشته باشند.

در رابطه با امام حسین (علیه السلام) نکاتی هست که بنده به صورت فهرست‌وار عرض می‌کنم و به هرکجا که رسیدیم در این نیم ساعت در خدمت شما توضیح خواهم داد.

ما در رابطه با آیه مباهله در میان شیعه و سنی اتفاق نظر داریم که این آیه مباهله در حق حضرت امیرالمؤمنین و حضرت صدیقه طاهره و امام حسن و امام حسین (سلام الله علیهم) نازل شده است.

گرچه بعضی افراد همانند «ابن قیم جوزیه» که تفکر سلفی دارد، در روایاتی که در شأن خمسه طیبه هست نام امیرالمؤمنین را حذف می‌کند. من تصویر این کتاب را نشان خواهم داد. او می‌نویسد آیه مباهله در حق حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین نازل شده است! و نامی از امیرالمؤمنین نمی‌آورد!

آیه دیگر، آیه تطهیر است که علما اتفاق نظر دارند که در حق این پنج بزرگوار نازل شده است با این تفاوت که اهل سنت همسران پیغمبر اکرم را هم داخل می‌کنند، البته «صحیح مسلم» که آقایان معتقدند «أصح الکتاب» بعد از قرآن کریم است زنان پیغمبر اکرم را از ذیل آیه تطهیر بیرون می‌کند.

مورد دیگر نزول سوره مبارکه «هل أتى» است که بسیاری از بزرگان اهل سنت حتی «قرطبی»، «آلوسی» و دیگران همه صراحت دارند که این آیه در شأن این بزرگواران نازل شده است. و یا حدیث:

«الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة»

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبه الكوفي، دار النشر:

مكتبة الرشد - الرياض - ١٤٠٩، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ج ٦، ص ٣٧٨، ح ٣٢١٧٦

است که اهل سنت اتفاق نظر دارند که نبی گرامی اسلام این روایت را بیان فرموده است. حدیث بعد:

«أَلَا وَإِنَّ الْحُسَيْنَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ٣٥، ص ٤٠٥،

ح ٢٨

است که به صراحت در منابع اهل سنت با سندهای صحیح وارد شده است. بزرگان اهل سنت در مورد پاداش عزاداری و گریه در مصیبت امام حسین تعبیری دارند که می نویسند: پاداش کسی که برای امام حسین گریه کند بهشت است.

نکته دیگری که خیلی برای من حائز اهمیت است که اگر بتوانم در این زمینه بیشتر توضیح می دهم، در رابطه با اثر تربیت حضرت سیدالشهدا است.

ما روایات متعدد داریم که اگر متواتر نگوییم، در حد مستفیض هست با این مضمون که خداوند عالم به خاطر شهادت سیدالشهدا سه ویژگی به آن بزرگوار عنایت فرموده است؛ «الأئمة فی ذریته»، «الشفاء فی تربته» و «الإجابة تحت قبته».

ما روایات متعددی داریم که «مرحوم شیخ حر عاملی» در کتاب «وسائل الشیعه» نقل می کند که امام صادق (علیه السلام) بیمار شدند و بیماری حضرت طول کشید. آن بزرگوار کسی را از مدینه به کربلا فرستادند تا تحت قبه امام حسین، برای حضرت دعا کنند.

همچنین روایات متعدد از امام هادی (علیه السلام) داریم که به خاطر بیماری خود، افرادی را از مدینه یا سامرا به کربلا اعزام می کردند تا برای شفای حضرت دعا کنند.

راوی می‌گوید من از مدینه خارج می‌شدم که یکی از رفقایم از اصحاب امام هادی سؤال کرد: کجا می‌روی؟ من در جواب گفتم: کربلا می‌روم. او علت رفتن مرا پرسید و من گفتم: برای اینکه برای امام هادی دعا کنم. او به من نیشخند زد و گفت: تو می‌خواهی برای حجت خدا دعا کنی؟! من خیلی ناراحت شدم و خدمت امام هادی برگشتم و به حضرت عرضه داشتم: آقا جان! شما حجت خدا هستید، اما ما را فرستادید تا به آنجا برویم و برای شما دعا کنیم. حضرت فرمود: بله. خداوند عالم در میان ائمه اطهار (سلام الله علیهم اجمعین) این عنایت را در حق حضرت سیدالشهدا دارند.

در کتاب «مستدرک الوسائل» اثر «مرحوم نوری» دارد که در رابطه با امام هادی وارد شده است که راوی می‌گوید: رفته بودم از حضرت که بیمار بودند عیادت کنم. حضرت فرمودند:

«وَجَّهُوا قَوْمًا إِلَى الْخَيْرِ مِنْ مَالِي فَلَمَّا خَرَجْنَا مِنْ عِنْدِهِ قَالَ لِي مُحَمَّدُ بْنُ حَمْرَةَ الْمُشِيرُ يُوَجِّهُنَا إِلَى الْخَائِرِ وَ هُوَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ فِي الْخَائِرِ»

یکی از اصحاب «محمد بن حمزه» را مورد تمسخر قرار داد که به کربلا می‌روی تا برای امام حسین دعا کنی، در حالی که امام هادی خود همتای امام حسین است.

«قَالَ فَعُدْتُ إِلَيْهِ فَأَخْبَرْتُهُ»

من نزد حضرت برگشتم و گفتم: مرا کجا می‌فرستید؟

«فَقَالَ لِي لَيْسَ هُوَ هَكَذَا إِنَّ لِلَّهِ مَوَاضِعَ يَجِبُ أَنْ يَغْبَدَ فِيهَا وَ خَيْرُ الْحُسَيْنِ ع مِنْ تِلْكَ الْمَوَاضِعِ»

حضرت در جواب فرمود: خداوند عالم اجابت تحت قبه را مخصوص جدمان حضرت سیدالشهدا قرار داده است.

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نویسنده: نوری، حسین بن محمد تقی، محقق / مصحح: مؤسسة آل

البيت عليهم السلام، ج ۱۰، ص ۳۴۶، ح ۱۲۱۵۱

همچنین «مرحوم شیخ حر عاملی» در کتاب «وسائل الشیعه» جلد چهاردهم صفحه ۵۳۷ نقل می‌کند که امام صادق (علیه السلام) بیمار شدند و شخصی را اجیر کردند که نزد قبر حضرت سیدالشهدا برود و برای حضرت دعا کند.

راوی می‌گوید: من به امام صادق عرض کردم که شما خود امام مفترض الطاعة هستید. من برای شما دعا کنم؟ حضرت فرمود:

«أَمَا عَرَفَ أَنَّ لِلَّهِ تَعَالَى بِقَاعاً يَسْتَجَابُ فِيهَا الدُّعَاءُ فَتِلْكَ الْبُقْعَةُ مِنْ تِلْكَ الْبِقَاعِ»

خداوند بقعه‌هایی قرار داده است که در آنجا دعا قطعاً به اجابت می‌رسد و بقعه سیدالشهدا از این بقعه‌هاست.

وسائل الشيعة، نویسنده: شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ج

۱۴، ص ۵۳۷، ج ۱۹۷۷۴

البته آقایان در رابطه با اینکه «قبه» کجاست، اختلاف نظر دارند. اختلاف نظر وجود دارد که آیا قبه همین گنبدی است که الآن بر روی قبر مطهر بنا شده است!؟

ما حدود دوازده سال خدمت مرحوم «شیخ جعفر مجتهدی» بودیم و خیلی از ایشان استفاده کردیم، آنچنان که در حوزه از این استفاده‌ها خبری نیست. زمانی که ما خدمت ایشان می‌رسیدیم گذشته و آینده ما را کف دست ما می‌گذاشتند. ایشان مردی بود که الحق و الإنصاف جزو عارفین واصل بود. زمانی که «مرحوم کشمیری» خدمت ایشان می‌آمد دو زانو می‌نشست و می‌گفت: من آمدم از محضر پرفیض شما استفاده کنم.

ایشان بارها به من فرمودند: تحت قبه، بالای سر امام حسین است به طوری که روبروی قبر «حبیب بن مظاهر» بایستید و دست چپتان را دراز کنید به وسط ضریح امام حسین برسد. اگر دقیقاً در وسط ضریح مطهر امام حسین از سینه شما خطی بکشند به قبر «حبیب بن مظاهر» متصل شود و اگر از سمت راست خطی بکشند به وسط ضریح برسد. البته قبلاً همانجا یک مرمر مشکی و قرمز رنگ بود، اما اخیراً آن را هم به خاطر ازدحام جمعیت برداشتند.

همچنین در کتاب «أمالی» اثر «شیخ طوسی (رضوان الله تعالی علیه) وارد شده است:

«إِنَّ اللَّهَ (تَعَالَى) عَوَّضَ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مِنْ قَتْلِهِ أَنْ جَعَلَ الْإِمَامَةَ فِي ذُرِّيَّتِهِ، وَ الشُّفَاءَ فِي تُرْبَتِهِ، وَ إِجَابَةَ

الدُّعَاءِ عِنْدَ قَبْرِهِ»

خداوند عالم به خاطر شهادت امام حسین امامت را در ذریه آن بزرگوار قرار داد، خاک قبر آن بزرگوار را شفا قرار

داد و دعا نزد قبر امام حسین را به اجابت می‌رساند.

الأمالی، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ص ۳۱۷، ح ۶۴۴

همچنین در «کفاية الأثر» همین تعبیر در صفحه ۱۷ وارد شده است:

«أَلَا وَ إِنَّ الْإِجَابَةَ تَحْتَ قُبَّتِهِ وَ الشُّفَاءَ فِي تُرْبَتِهِ وَ الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِهِ»

کفاية الأثر فی النّص علی الأئمة الإثني عشر، نویسنده: خزاز رازی، علی بن محمد، محقق / مصحح: حسینی

کوهکمری، عبد اللطیف، ص ۱۷، باب ما جاء عن عبد الله بن العباس

با اینکه همه ما می‌دانیم که خوردن تربت قبر رسول اکرم حرام است، خوردن تربت قبر امیرالمؤمنین علی رغم اینکه

افضل از همه است، حرام است. در مقابل، خداوند عالم نه تنها خوردن تربت سیدالشهدا را حرام قرار نداده است، بلکه

مایه شفا هم قرار داده است.

در کتاب «تهذیب الأسماء و اللغات» اثر «محبی الدین نووی» که از او به «فقیه الأمة» تعبیر می‌کنند روایتی وارد شده

است. ایشان قضیه‌ای را نقل می‌کند و بعد می‌گوید:

«وقبره مشهور یزار و یتبرک به»

تهذیب الأسماء واللغات، المؤلف: أبو زکریا محبی الدین یحیی بن شرف النووی (المتوفی: ۶۷۶ هـ)، نیت بنشره

وتصحیحه والتعلیق علیه ومقابلة أصوله: شركة العلماء بمساعدة إدارة الطباعة المنيرية، یطلب من: دار الکتب

العلمية، بیروت - لبنان، ج ۱، ص ۱۶۳، باب حرف الحاء

علی رغم اینکه امروزه وهابیت تبرک را بدعت می‌دانند. «ابن جوزی پدر» متوفای ۵۹۷ عبارتی را از «جعفر خلدی» نقل می‌کند و می‌گوید:

«کان بی جرب عظیم»

من به پیسی شدیدی دچار شده بودم.

«فتمسحت بتراب قبرالحسین فغفوت فانتبهت ولیس علی منه شیء»

سپس بدنم را به خاک قبر حضرت سیدالشهدا مالیدم و در خواب به من عنایتی شد که وقتی بیدار شدم دیدم هیچ اثری از بیماری در من نیست.

المنتظم فی تاریخ الملوک والأمم، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن علی بن محمد بن الجوزی أبو الفرج، دار النشر:

دار صادر - بیروت - ۱۳۵۸، الطبعة: الأولى، ج ۵، ص ۳۴۶

همچنین این عبارت در کتاب «بغیة الطلب» اثر «ابن عدیم» وارد شده است که می‌گوید:

«کان بی جرب عظیم کثیر فتمسحت بتراب قبر الحسین قال فغفوت فانتبهت ولیس علی منه شیء»

بغیة الطلب فی تاریخ حلب، اسم المؤلف: کمال الدین عمر بن أحمد بن أبی جرادة، دار النشر: دار الفکر، تحقیق:

د. سهیل زکار، ج ۶، ص ۲۶۵۷

در کتاب «الطیورات» اثر «شیخ ابوطاهر» جلد سوم، صفحه ۹۱۲ همین تعبیر وارد شده است. جالب این است که این

محقق سلفی در پاورقی می‌گوید:

«رجال اسناده ثقات»

تمام راویان این سند ثقة هستند.

«و هذا النص من منكرات الخلدی»

اما ما این را نمی‌توانیم از منكرات آقای خلدی قبول کنیم.

الطیوریات؛ أبو طاهر السِّلْفی أحمد بن محمد بن أحمد سِلْفَه الأصبهانی (المتوفی: ۵۷۶هـ)، دراسة وتحقیق:

دسمان یحیی معالی، عباس صخر الحسن، الناشر: مكتبة أضواء السلف، الرياض، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۵ هـ -

۲۰۰۴ م؛ ج ۳، ص ۹۱۲

«ذهبی» هم که وقتی روایت رسول اکرم که به امیرالمؤمنین فرمود:

«عدوک یا علی عدوی، وعدوی عدو الله»

می‌رسد، هرچه تلاش می‌کند سند روایت را زیر سؤال ببرد می‌بیند که سند صحیح است. او زمانی که می‌خواهد دلالت

روایت را زیر سؤال ببرد می‌بیند دلالت آن هم مشکلی ندارند. به همین خاطر می‌گوید:

«يشهد القلب أنه باطل»

میزان الاعتدال فی نقد الرجال، المؤلف: شمس الدین أبوعبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی

(المتوفی: ۷۴۸ هـ)، مصدر الكتاب: موقع یعسوب، ج ۱، ص ۸۲، ح ۲۹۴

من با تعدادی از دانشجویان دانشگاه أم القرى در مکه کنار بیت الله الحرام بحث می‌کردیم که به آن‌ها گفتم: شما بعد از

این در قواعد جرح و تعدیل خود بنویسید که اگر یک روایت سند صحیحی داشت و دلالت تام داشت، به قلب «ذهبی»

هم توجه کنید! ببینید که قلب «ذهبی» شهادت به صحت روایت می‌دهد یا خیر؟! اگر دیدید قلب «ذهبی» شهادت بر

صحت روایت می‌دهد آن روایت را صحیح اعلام کنید.

علمای اهل سنت این مباحث را مطرح می‌کنند و واقعاً انسان تأسف می‌خورد. «ذهبی» شخصیت کمی نیست و اهل

سنت شخصی همانند «ذهبی» را یا ندارند و یا کم دارند.

مشهور است که اهل سنت عیال کنار سفره چهار نفر هستند؛ «ابن حجر عسقلانی»، «ذهبی»، «مزی» و «زین الدین عراقی».

«ذهبی» با روایات مربوط به اهل بیت چنین برخورد می‌کند که علت آن روشن است. وقتی که پیغمبر اکرم فرمودند:

«عدوک یا علی عدوی، وعدوی عدو الله»

این افراد در چاله می‌افتند. عایشه که بساط جنگ جمل را به راه انداخت و «طلحه» و «زبیر» که جنگ جمل را راه انداختند، برایشان حدیث عشره مبشره درست کردند. «ذهبی» این قضایا را نمی‌تواند حل کند.

افرادی مانند «ذهبی» نسبت به معاویه که جنگ صفین را درست کرده است نمی‌تواند قضایا را حل کند. «ذهبی» نسبت به صحابه‌ای که امیرالمؤمنین را بالای منبر سب و لعن می‌کردند نمی‌تواند قضایا را حل کند. او ناگزیر است بگوید:

«یشهد القلب أنه باطل»

همچنین در کتاب «الإتحاف بحب الأشراف» نوشته «جمال الدین شبراوی»، قضایایی از کرامات حضرت سیدالشهدا نقل شده است و می‌گوید: چشمان «شمس الدین قعوبنی» نابینا شده بود. او چشمان خود را به ضریح مطهر امام حسین مالید و به برکت ضریح مطهر چشمان او بینایی خود را به دست آورد.

«طبرانی» کتب «معجم» با اسامی «معجم الکبیر»، «معجم الوسیط» و «معجم الصغیر» دارد. روایات کتاب «معجم الکبیر» از دیدگاه ایشان همگی معتبر بوده است.

«طبری» در این کتاب قضایایی را نقل می‌کند مبنی بر اینکه کسی از قبیله بنی اسد به قبر حضرت سیدالشهدا جسارت کرد و دیوانه شد و در اثر دیوانگی به درک واصل شد. در کتاب «مجمع الزوائد» اثر «هیتمی» وارد شده است که رجال این روایت رجال صحیح است.

بنابراین قضیه تأثیرگذاری خاک مطهر قبر سیدالشهدا و ضریح مطهر، یکی از مشترکاتی است که ما آن را بیان کردیم. این روایات نمونه‌هایی بود که بنده آوردم، ما در این زمینه موارد بسیار زیادی داریم.

نکته دیگری که در اینجا مطرح است این تعبیر است که ما در کتب شیعه داریم که از «مناقب فضل بن شاذان نیشابوری» وارد شده است:

«أَلَا وَإِنَّ الْحُسَيْنَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ»

همین تعبیر در کتاب «مقتل الحسین» اثر «خوارزمی» یکی از علمای بزرگ اهل سنت وارد شده است. وقتی که «ذهبی» به «خوارزمی» می‌رسد، آنچنان از او تحسین و تعظیم و تکریم می‌کند که انسان تصور می‌کند از یک پیغمبر اولوالعزم تجلیل می‌کند.

ایشان هم همین تعبیر را دارد و می‌نویسد:

« وَ بِالْحَسَنِ أُعْطِيتُمْ الْإِحْسَانَ وَ بِالْحُسَيْنِ تَسْعُدُونَ وَ بِهِ تَشَبَّهُونَ (تَشَقُّونَ) أَلَا وَإِنَّ الْحُسَيْنَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ
مَنْ عَائِدَهُ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ.»

مقتل الحسین، خوارزمی، ج ۱، ص ۱۴۵

نکته دیگری که در اینجا مطرح است این است که ما در باب گریه برای سیدالشهدا روایت زیاد داریم. «مرحوم ابن قولویه» در کتاب «کامل الزیارات» که به تعبیر آیت الله العظمی خوئی تمام روایات آن ثقه هستند روایات متعددی دارد. گرچه آیت الله العظمی خوئی در اواخر عمر در نظریه خود تجدید نظر کردند و تنها وثاقت را بر مشایخ «ابن قولویه» انحصار کردند. در کتاب «معجم رجال الحدیث» که اخیراً به چاپ رسیده است نظریات ایشان اعمال نشده است. در اینجا ما بیش از پنجاه روایت در رابطه با ثواب و پاداش گریه برای امام حسین داریم. به عنوان مثال در رابطه با گریه و زیارت برای امام حسین وارد شده است:

«وَإِنْ وَجَدْتَهُ فِي النَّارِ أَخْرَجْتَهُ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۹۸، ص ۱۶، ح

همچنین روایات دیگری در این زمینه داریم که در باب زیارت و گریه کردن بر امام حسین واژه «**فله الجنة**» وارد شده است. ما از این تعابیر زیاد داریم. در این زمینه کتاب «فضائل الصحابة» اثر «احمد بن حنبل» متوفای ۲۴۱ هجری همین تعبیر را دارد که تعبیر بسیار زیبایی است.

«**من دمعتا عيناه فينا دمعة أو قطرت عيناه فينا قطرة اثواه الله عز وجل الجنة**»

هرکسی چشمش اشک آلود شود و قطره‌ای از چشمش جاری شود پاداش او بهشت است.

فضائل الصحابة، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - ۱۴۰۳

- ۱۹۸۳، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. وصی الله محمد عباس، ج ۲، ص ۶۷۵، ح ۱۱۵۴

همین تعبیر در کتاب «ذخائر العقبی» اثر «طبری» عالم اهل سنت وارد شده است. ما چهار عالم به نام «طبری» داریم که دو تن از آنان سنی و دو تن از آنان شیعه هستند.

صاحبان «دلائل الإمامة» و «المسترشد» شیعه هستند و صاحبان «ذخائر العقبی» و «تفسیر طبری» و «تاریخ طبری» اهل سنت هستند. ایشان هم همین تعبیر را دارد و می‌نویسد:

«**من دمعت عيناه فينا دمعة أو قطرت عيناه فينا قطرة آتاه الله عز وجل الجنة**»

ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، اسم المؤلف: محب الدین أحمد بن عبد الله الطبری، دار النشر: دار الكتب

المصرية - مصر، ج ۱، ص ۱۹، باب ذکر ما لمن توجع لهم

ما از اینطور روایات در کتب اهل سنت زیاد داریم. همچنین نسبت به حدیث:

«**الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة**»

«البانی» که از او به «بخاری دوران» تعبیر می‌کنند و «بن باز» او را «امیرالمؤمنین فی الحدیث» می‌خواند، وقتی به این

روایت می‌رسد، به صراحت می‌گوید: روایت صحیح است. گرچه این عبارت در کتاب «صحیحین» نیامده است.

نکته دیگری که در اینجا بسیار حائز اهمیت است، بحث نزول آیه ۶۱ در حق خمسه طیبه از جمله حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) است. این روایت در کتب شیعه الی ماشاءالله آمده است. در کتاب «عیون أخبار الرضا» به طور مفصل از حضرت موسی بن جعفر در بحثی که با مأمون داشت، حضرت به صراحت این قضیه را نقل می‌کند و می‌فرماید:

پیغمبر اکرم اهل بیت خود علی بن ابی طالب، حضرت صدیقه طاهره و امام حسن و امام حسین را زیر کساء برد و آیه نازل شد و مراد از (أَبْنَاءَنَا) امام حسن و امام حسین است.

ما روایات متعدد دیگری در این زمینه داریم. اما از میان علمای اهل سنت «مسلم» و «بخاری» یا به صرف اقتضای موقعیت یا از روی ترس و یا عناد این روایات را بیان نکردند. بسیاری از احادیث همانند حدیث غدیر فوق تواتر است و علی الأقل بیش از صد نفر از صحابه آن را نقل کردند. به تعبیر «سبط ابن جوزی» و دیگران تا صد و بیست و چهار هزار نفر حاضرین در واقعه غدیر خم را تخمین زدند.

ولی «بخاری» اصلاً حدیث غدیر خم را مطرح نکرده است و اصلاً اشاره‌ای هم ندارد. «مسلم» حدیث غدیر خم را بیان کرده است، اما ای کاش ایشان هم ساکت می‌ماند و آن را نمی‌آورد. او از قول «زید بن أرقم» نقل می‌کند که ما در غدیر خم بودیم که پیغمبر اکرم سخنانی گفت و موعظه‌ای فرمود.

پیغمبر اکرم بین نماز ظهر و عصر حداقل دو ساعت سخنرانی فرمودند، هر مطلبی بود را بیان فرمودند و تا قیام قیامت همه مسائل را مطرح کردند. ولی کسانی که آن را آوردند تنها در یک سطر نوشتند:

«من كنت مَوْلَاَ فَعَلَى مَوْلَاَهُ»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة - مصر،

ج ۱، ص ۸۴، ح ۶۴۱

حال بعضی از علمای اهل سنت به امیرالمؤمنین لطف داشتند و تنها نوشتند:

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي، دار النشر:

مكتبة الرشد - الرياض - ١٤٠٩، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ج ٦، ص ٣٦٨، ح ٣٢٠٩١

این حدیث غدیر است، نه خطبه غدیر! بنده بسیار تلاش کردم تا ببینم کسی از علمای اهل سنت خطبه غدیر را نقل کرده است، یا خیر. آن‌ها خودشان می‌گویند که پیغمبر اکرم خطبه خواند، اما حدیث غدیر را نقل می‌کنند. اگر پیغمبر اکرم دو ساعت حرف زده باشند، خطبه باید حداقل بیست الی سی صفحه باشد.

من دیدم تا قرن چهارم هیچ کدام از علمای اهل سنت خطبه غدیر را ندارند. تنها در «معجم الكبير» اثر «طبرانی» متوفای ۳۶۰ هجری خطبه‌ای نقل شده است که حدود یک صفحه و چهار سطر است. بعد از آن من دیدم که هیچ کتابی از اهل سنت خطبه را نقل نکردند و «حلبی» در قرن یازدهم در کتاب «سیرة الحلبیة» آن را نقل کرده است.

بنده روی این موضوع خیلی وقت گذاشتم تا اصلاً ببینم اهل سنت خطبه غدیر را نقل کردند، یا خیر. حدیث غدیر خم زیاد است؛ حدیث شاید یک سطر یا دو سطر یا دو کلمه باشد، اما خطبه به معنای سخنرانی است.

در هر صورت «مسلم» در کتاب «صحیح مسلم» ذیل قضیه مباحله می‌نویسد:

«أَمَرَ مُعَاوِيَةَ بْنَ أَبِي سُفْيَانَ سَعْدًا»

در این روایت هم عنادی وجود دارد. مأمور به «أَمَرَ مُعَاوِيَةَ بْنَ أَبِي سُفْيَانَ سَعْدًا» کجاست؟ شارحین «صحیح مسلم» گیر کردند. در این روایت وارد شده است که معاویه بن ابی سفیان امر کرد ولی مأمور به وجود ندارد. البته «ابن تیمیه» خبیث لیدر وهابیت در کتاب «منهاج السنة النبویة» می‌نویسد:

« أَمَرَ مُعَاوِيَةَ بْنَ أَبِي سُفْيَانَ سَعْدًا بِالسَّبِّ فَأَبَى »

منهاج السنة النبویة، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر: مؤسسة قرطبة

- ١٤٠٦، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم؛ ج ٥، ص ٤٠

او به صراحت مفعول به را می‌آورد. «مسلم» سپس می‌نویسد:

«فَقَالَ مَا مَنَّكَ ان تَسُبَّ أَبَا التَّرَابِ»

گفت: چرا علی بن ابی طالب را سب نمی‌کنید؟

«مسلم» سپس می‌نویسد:

«وَلَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةُ (فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ) دَعَا رَسُولَ اللَّهِ عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَحَسَنًا وَحُسَيْنًا فَقَالَ اللَّهُمَّ

هَؤُلَاءِ أَهْلِي»

صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث

العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ٤، ص ١٨٧١، ح ٢٤٠٤

«ابن کثیر دمشقی» متوفای ٧٧٤ هجری شاگرد «ابن تیمیه» یکی از سرسلسله‌های نواصب با تمام این احوالات

می‌نویسد مراد از (وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ) در آیه شریفه:

(نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلُ)

ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را،

ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود، آن گاه مباحله کنیم.

سوره آل عمران (٣): آیه ٦١

رسول الله و علی بن ابی طالب است و مراد از (أَبْنَاءَنَا) امام حسن و امام حسین است. جالب اینجاست که «ابن قییم

جوزیه» شاگرد «ابن تیمیه» و احیاگر تفکرات «ابن تیمیه» است. زمانی که «ابن تیمیه» در منطقه دمشق ظهور کرد،

تمامی فقهای اهل سنت اعم از حنفی و حنبلی و مالکی و شافعی علیه او قیام کردند و چندین بار او را محاکمه کردند، با

او مناظره کردند و او را به زندان انداختند.

عاقبت در سال ۷۲۶ هجری در زندان قلعه دمشق طومار زندگی «ابن تیمیه» برای همیشه بسته شد. بعد از «ابن تیمیه» هم تا قرن دهم و یازدهم از افکار «ابن تیمیه» در منابع روایی، تاریخی و کلامی اهل سنت خبری نیست.

در قرن یازدهم «محمد بن عبدالوهاب» عقاید او را احیا می‌کند. در میان قرن نهم تا یازدهم تنها کسی که افکار «ابن تیمیه» را مفصل در کتاب‌های خود آورده است، «ابن قیم» است. او در کتاب «جلاء الأفهام» زمانی که به این روایت می‌رسد، می‌نویسد:

« دَعَا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَاطِمَةَ وَحَسَنًا وَحُسَيْنًا وَخَرَجَ لِلْمَبَاهِلَةِ »

جلاء الأفهام فی فضل الصلاة علی محمد خیر الأنام، اسم المؤلف: محمد بن أبی بکر بن آیوب بن سعد شمس

الدین ابن قیم الجوزیة، دار النشر: دار العروبة - الكويت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثانية، تحقیق: شعیب

الأرنؤوط - عبد القادر الأرنؤوط، ج ۱، ص ۲۶۴

بی انصافی را نگاه کنید. علی رغم اینکه عرض کردیم در کتاب «صحیح مسلم» که اصح الکتب است، وارد شده است:

« دَعَا رَسُولُ اللَّهِ عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَحَسَنًا وَحُسَيْنًا »

ولی «ابن قیم» در این روایات نام مبارک امیرالمؤمنین را حذف می‌کند.

از اساتید شنیدم که «مرحوم شیخ صدوق» وصیت کرد مرا در قم و کربلا دفن نکنید، زیرا کسانی که در این دو مکان مقدس دفن می‌شوند وقتی که از قبر برمی‌خیزند یکسره بدون حساب وارد بهشت می‌شوند. اطرافیان به ایشان عرض کردند که این خیلی خوب است. «شیخ صدوق» در جواب گفت: من می‌خواهم قیامت را ببینم و اولین محکمه که محکمه عدل الهی که برای امیرالمؤمنین تشکیل می‌شود را ببینم.

«بخاری» از قول امیرالمؤمنین نقل می‌کند:

«أنا أُولُ من يَجْتُو بين يَدَي الرحمن لِلْخُصُومَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»

اولین محکمه‌ای که مظلومه آن مورد بازخواست قرار می‌گیرد، محکمه من است.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير،

اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٤، ص ١٤٥٨، ح ٣٧٤٧

«شيخ صدوق» می‌گوید: من می‌خواهم در قیامت بیایم و محکمه امیرالمؤمنین را تماشا کنم و بینم کسانی که در حق

امیرالمؤمنین ظلم کردند چه جوابی دارند!!

دوستان واقعاً محکمه امیرالمؤمنین در قیامت تماشایی است. با تمام سختی‌ها و مشکلات قیامت می‌ارزد که انسان به

قیامت برود و ببیند که این افراد در قیامت چه پاسخی دارند. کسانی که امیرالمؤمنین را خانه نشین کردند و به تعبیر آن

بزرگوار؛

«فَصَبْرُتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَدَىٰ وَ فِي الْخَلْقِ شَجَا أَرَىٰ تُرَائِي نَهْبًا»

نهج البلاغة، شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ٤٨

آقازاده «علامه امینی» روزی به منزل ما آمده بود و خودش برای من نقل کرد و گفت: پدرم در لندن در بیمارستان بود و

آخرین لحظه تَن صدایش در نمی‌آمد. من دیدم لب‌هایش تکان می‌خورد و گوشم را کنار لب‌های پدرم بردم و گفتم

شاید آب می‌خواهد.

مشاهده کردم که پدرم با صدای لرزان می‌گوید: "پسرم من آرزو می‌کنم که ای کاش خداوند عالم از اول تا آخر دنیا به

من عمر بدهد." من مقداری خندیدم و گفتم حتماً «الغدیر» ناتمام مانده است و می‌خواهی کتاب «الغدیر» را تمام کنی.

پدرم گفت: "من از خداوند می‌خواهم از اول تا آخر دنیا به من عمر بدهد و بنشینم برای مظلومیت امیرالمؤمنین گریه

کنم."

البته «علامه امینی» در یک دهه در بوشهر منبر رفته بود و من نوار صدای ایشان را گوش کردم. ایشان همین تعبیر را

دارد و می‌گوید: "مردم! من یک آرزو دارم و آن این است که خداوند از اول تا آخر خلقت به من عمر بدهد تا بنشینم و

برای مظلومیت امیرالمؤمنین گریه کنم."

کسانی که در مباحث کلامی و ولایی هستند می‌دانند و بارها برای خودم اتفاق افتاده است که وقتی بعضی از قضایا را می‌بینم دیگر توانایی مطالعه ندارم. من کامپیوتر را می‌بندم، می‌نشینم، در را می‌بندم و با صدای بلند گریه می‌کنم تا عقده‌ام خالی شود و سپس بازهم شروع به کار کردن می‌کنم.

هرچه انسان جلوتر می‌رود و عمیق‌تر بررسی می‌کند سوز دل علی بن ابی طالب و آتش قلب امیرالمؤمنین برای انسان بیشتر نمایان می‌شود. حضرت بیست و پنج سال زجر کشیدند و خون دل خوردند.

بنده گمان می‌کنم از این تعبیر بالاتر نشود. اگر انسان خاشاکی به چشمش بیفتد یا چیزی در گلویش گیر کند چه حالی برایش رخ می‌دهد که حضرت می‌فرماید:

«فَصَبْرُتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَدَى وَ فِي الْخَلْقِ شَجَا أَرَى تُرَائِي نَهْبًا»

نقل شده است که در جنگ صفین یک شب «ابن عباس» حنایی درست کرده بود و گفت: یا علی! محاسنت سفید شده است. من حنا درست کرده‌ام بیائید و ریش خود را خضاب کنید. امیرالمؤمنین فرمود: ابن عباس! نمی‌دانی ما هنوز عزادار فاطمه هستیم.

مشاهده کنید قضیه صفین سال ۳۷ یا ۳۸ هجری است. بعد از گذشتن ۲۵ سال هنوز امیرالمؤمنین می‌فرماید: ما عزادار حضرت فاطمه زهرا هستیم. ما نمی‌دانیم در طول این سالها حضرت چه مصائبی کشیده است.

پرسش:

در مسئله اشتراکات شیعه و سنی در خصوص اهل بیت (علیهم السلام) کتاب‌هایی داریم؟

پاسخ:

ما در این زمینه کتاب زیاد داریم. «مرحوم فیروزآبادی» کتابی پنج جلدی «فضائل الخمسة فی صحاح الستة» دارد. ایشان تمام روایاتی که در «صحاح سته» در رابطه با فضائل اهل بیت است را جمع کرده است.

بعد از آن هم کتاب‌های زیادی در این زمینه نوشته شده است. مرحوم صاحب الغدير تمام مواردی که در رابطه با امیرالمؤمنین هست را آورده است.

پرسش:

در رابطه با حادثه غدیر یا اثبات ولایت امیرالمؤمنین چه منابعی وجود دارد؟

پاسخ:

با توجه به اینکه ما تقریباً نود درصد در سی و پنج سال از عمر خود را در این راستا گذراندیم و از توفیقات خداوند عالم به ما این بود که من در عربستان سعودی بیش از دویست جلسه با شخصیت‌های طراز اول وهابی بحث و مناظره داشتم و مجموع این مناظرات در کتاب سه جلدی «قصة الحوار الهادی» به چاپ رسیده است؛ طبق آنچه به دست آوردم بهترین کتاب برای شروع در امر ولایت امیرالمؤمنین کتاب «المراجعات» اثر «مرحوم شرف الدین» است.

این کتاب، کتاب روز است. نود درصد از کسانی که در طول این پنجاه یا شصت سال اخیر از علمای اهل سنت و اساتید دانشگاه‌هایشان شیعه شدند به برکت کتاب «المراجعات» بوده است.

در رابطه با شبهات ولایی هم یکی از کتاب‌هایی که وهابیت در رد شیعه نوشتند و قوی‌ترین کتاب چهارده قرن است، «اصول مذهب الشيعة الإثني عشرية» است.

خداوند روح آیت الله العظمی فاضل لنکرانی را شاد است شادتر بگرداند. ایشان حدود یک سال قبل از رحلتشان بنده را خواستند و به من فرمودند: این کتاب نسبت به معتقدات شیعه شبهات زیادی مطرح کرده است. این کتاب ده سال است که چاپ شده است، اما نه حوزه و نه دانشگاه به این کتاب جواب ندادند.

تعبیر ایشان این بود: "شما آستین بالا بزن و از جدّه خود حضرت فاطمه زهرا دفاع کن و خود حضرت به شما کمک می‌کنند."

ما لجنه‌هایی تشکیل دادیم و حدود هشت سال تلاش کردیم به این کتاب سه جلدی که در حال حاضر کتاب درسی دانشگاه مدینه است، پاسخ بدهیم. این کتاب قوی‌ترین و مفصل‌ترین کتاب ضد شیعی در طول این چهارده قرن است.

ما هم در کتابی سه جلدی به این کتاب پاسخ دادیم. جلد اول با موضوع "شبهات وهابیت در آیات ولایت"، جلد دوم "شبهات وهابیت در احادیث ولایت" و جلد سوم "شبهات وهابیت در موضوع حضرت مهدی و توسل" است.

ما به خاطر بعضی از مشکلات مالی نوشتن کتاب را متوقف کردیم، اما تقریباً بیست درصد از شبهات این کتاب را در سه جلد کتاب خود پاسخ دادیم.

بعضی از بزرگان و مراجع ما را مورد عنایت قرار دادند و در مورد کتاب بزرگواری کردند، زیرا در رابطه با شبهات وهابیت، کسی به این شکل پاسخ نداده است. قطعاً در آینده کسانی بهتر از این پاسخ خواهند داد.

امکاناتی که ما امروزه در اختیار داریم «علامه امینی»، «مرحوم شرف الدین»، «میر حامد حسین» یا «قاضی نورالله شوشتری» در اختیار نداشتند.

زمانی که «علامه امینی» می‌خواستند روی احادیث اهل سنت کار کنند چندین ماه به هندوستان می‌روند و روزی هفده، هجده ساعت کتاب‌ها را ورق می‌زنند و مطالب را می‌نویسند.

امروزه ما کامپیوتر در اختیار داریم. نرم افزار «مکتبه اهل بیت» دارای چهارصد هزار جلد کتاب است. زمانی که شما روایتی می‌خواهید یک مرتبه می‌بینید که دویست، سیصد مصدر به شما می‌دهد.

اگر شما همکاران ده میلیون نفری هم داشته باشید به اندازه یک کامپیوتر نمی‌توانند اینطور کتاب‌ها را ورق بزنند و این مصادر را در اختیار شما قرار بدهند. شاید این مباحث در آینده تکمیل‌تر شود.

پرسش:

چرا باید مناظره با «عثمان الخمیس» و امثال او بیست و پنج جلسه طول بکشد. پس وهابیت حرفی برای گفتن دارند و در مناظره شکست نخوردند؟

عزیز من چنین نیست. «عثمان الخمیس» و «عبدالرحمن دمشقیه» در مناظراتی که در «شبکه المستقله» داشتند با خفت از آنجا رفتند، علی رغم اینکه دوستان ما خیلی قوی برخورد نکردند. اولین بار بود که دوستان ما همانند دکتر «عبدالزهره» از عراق آمد، آقای «فاطمی» و دیگران آمدند و «دکتر موسوی» از لندن آمد.

الحمدلله اینجا در مرکز ابحاث عقائديه لجنه‌های بود و گروهی قوی روی شبهاتی که آن‌ها مطرح می‌کردند کار می‌کرد و مطالب را برای آن‌ها ارسال می‌کردند. عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد! الحمدلله رب العالمین همین قضیه باعث شد که دوستان ما به فکر افتادند که در این زمینه کار کنند.

در حال حاضر «عدنان عرعور» که تقریباً قوی‌تر از همه در «شبکه المستقله» ظاهر شد و هفده سال یکه‌تاز میدان بود سال گذشته با یکی از دوستان ما به نام آقای «ابوالقاسمی» مناظره داشت. بیست دقیقه مناظره طول نکشید که او شکست خورد و فرار کرد.

تمام سایت‌های اهل سنت نوشتند که «عرعور» از «ابوالقاسمی» شکست خورد. اصلاً برنامه‌ای که در «شبکه صفا» داشتند برای همیشه تعطیل شد و تا به حال جرئت نکردند به میدان بیایند.

ما حدود چهارده سال است که داد می‌زنیم و آن‌ها را به مناظره دعوت می‌کنیم، اما هیچکدام حاضر نیستند به میدان بیایند.

بنده خودم پنجاه بار از «عثمان الخمیس» خواستم برای مناظره بیاید. تنها کسی که جواب داد «عبدالله حیدری» بود که مدتی در افغانستان شیعیان را می‌کشت، سپس به عربستان سعودی پناهنده شد و در حال حاضر در شبکه‌های وهابی ابراز وجود می‌کند.

ایشان گفت که من حاضرم با آقای قزوینی مناظره کنم، موضوع معین کرد و سپس موضوع تغییر پیدا کرد. در نهایت مجری ایشان «هاشمی» پرسید: آقای «حیدری» مناظره شما با آقای قزوینی چه شد؟

«حیدری» در جواب گفت: من از آقای قزوینی می‌ترسم و حتی از عکس آقای قزوینی هم می‌ترسم. ما در جواب گفتیم: ما اسما قزوینی هستیم، اما اصالتاً سبزواری هستیم و ترس نداریم.

من گفتم: شما از ما نمی‌ترسید، بلکه از منطق ما که برخاسته از منطق اهل بیت است می‌ترسید. شما می‌دانید که آمدنتان همان و شکست خوردنتان همان.

پول‌هایی که از عربستان سعودی دریافت می‌کنید تعطیل می‌شود، مریدان از شما دست برمی‌دارند و دیگر شما را در شبکه‌های ماهواره‌ای راه نمی‌دهند. صورت محترمانه این است که این افراد می‌گویند: "ما مناظره نمی‌کنیم و از مناظره می‌ترسیم!"

خیلی جالب بود که او ادعا می‌کرد ما از عکس فلانی هم می‌ترسیم. ما تا این اندازه ترسناک نیستیم که شما از عکس ما هم بترسید. در هر صورت از میان این افراد ایشان به میدان آمد و ایشان هم به همین صورت فرار کرد.

پرسش:

تاریخ عزاداری به چه زمانی برمی‌گردد؟

پاسخ:

عزاداری برای امام حسین شاید به سیصد یا چهارصد سال قبل از شهادت حضرت سیدالشهدا برگردد. در رابطه با عزاداری برای امام حسین کتب اهل سنت مطالبی بیان کرده اند.

در کتاب «بغیة الطلب» اثر «ابن عدیم» وارد شده است که امام مسجد بنی سلیم می‌گوید وقتی که ما روم را فتح کردیم، در کنیسه مشاهده کردیم که این شعر نوشته شده است:

«کیف ترجو أمة قتلت حسینا»

شفاعة جده یوم الحساب»

سپس وارد شده است:

«قالوا منذ کم وجدتم هذا الكتاب فی هذه الكنيسة»

ما گفتیم که شما از چه زمانی این کنیسه را ساختید و این سنگ را در اینجا گذاشتید؟

«قالوا قبل أن یخرج نبیکم بستمائة عام»

گفتند: ما ششصد سال قبل از بعثت پیغمبر اکرم این کنیسه را ساختیم و این شعر در اینجا نوشته شده است.

بغیة الطلب فی تاریخ حلب، اسم المؤلف: کمال الدین عمر بن أحمد بن أبی جرادة، دار النشر: دار الفکر، تحقیق:

د. سهیل زکار، ج 6، ص 2653، باب بسم الله الرحمن الرحيم وبه توفیقی

ما در روایات داریم که حضرت آدم، حضرت ابراهیم، حضرت موسی، حضرت عیسی و حضرت نوح برای حضرت سیدالشهدا گریه کردند که تمامی آن‌ها در منابع شیعه و بعضاً در منابع اهل سنت آمده است.

اگر سؤال از عزاداری برای امام حسین است، طبق منابع موجود، به ششصد سال قبل برمی‌گردد. و اگر سؤال از اصل عزاداری است که اولین عزاداری در تاریخ بشریت، عزاداری حضرت آدم و حضرت حوا برای فرزندشان «هابیل» بود که توسل «قابیل» کشته شد.

همچنین در رابطه با شهادت امام حسین هم موارد متعددی در منابع شیعه داریم. زمانی که حضرت آدم خدا را به نام رسول اکرم، امیرالمؤمنین، حضرت فاطمه زهرا، امام حسن و امام حسین سوگند داد، به جبرئیل عرضه داشت:

یا جبرئیل! وقتی که من نام چهار نفر اول را می‌برم خوشحال می‌شوم و لذت می‌برم، اما زمانی که به نام آخرین نفر می‌رسم محزون می‌شوم. چه رمزی در این نام نهفته است؟

حضرت جبرئیل اولین روضه را خوانده است و حضرت آدم و حضرت حوا اولین عزاداری را برای امام حسین داشتند.

پرسش:

جریان شخص وهابی که یکی از کارشناسان «شبکه جهانی ولایت» بوده چیست؟

پاسخ:

فردی است به نام «موسوی» که البته کارشناس «شبکه جهانی ولایت» نبود. ایشان چندین جلسه در رابطه با موضوع «طب در قرآن کریم» مباحثی را بیان کرد. زیرا رشته ایشان طبابت بود. ما دیدیم که بحث ایشان مفید نیست و لذا برنامه ایشان را کنسل کردیم.

این قضیه به سال ۱۳۸۹ یا ۱۳۹۰ برمی‌گردد. ایشان برای گرفتن دکترا به مالزی رفت و در آنجا وهابی‌ها مذهب او را به اهل سنت و سپس به وهابیت تغییر دادند.

از طرف دیگر سران عربستان سعودی او را از مالزی به امارات منتقل کردند. او در حال حاضر در شبکه‌های وهابی چرندیات می‌بافد و طلبه‌ها را برای سنی شدن دعوت می‌کند. داستان ایشان به صورت کلی این است.

پرسش:

در رابطه با فرقه شیرازی‌ها چکار کنیم؟

پاسخ:

ما در تبریز چندین سال گذشته همایشی داشتیم که بنده در آنجا یک ساعت و نیم الی دو ساعت در رابطه با تاریخ شیرازی‌ها و خطرات آن‌ها و مسائل دیگری که داشتند بحث کردم که روی «سایت مؤسسه حضرت ولی عصر» موجود است که دوستان می‌توانند آن را ببینند. اگر لازم باشد جلسه خاصی در این زمینه باشد، من در خدمت دوستان هستم.

من معتقدم الگو برای ما مقام معظم رهبری است. ما نه باید از ایشان جلو بیفتیم و نه باید عقب بمانیم. مادامی که ایشان به صراحت چیزی بیان نکرده باشد بنده به خود اجازه نمی‌دهم جلوتر از رهبری بیفتم.

آقایان مراجع تقلید استوانه‌های ما هستند. اگر آن‌ها چیزی گفتند ما هم یک چیز را صد چیز می‌گوییم. مادامی که آن‌ها چیزی را نفرمودند حتماً مصالحی در کار است.

البته با آنها بسیار برخورد داشتیم و الآن هم با بعضی از آنها رابطه داریم. آیت الله یزدی روزی بنده را خواست و گفت که شما با «سید جعفر» در رابطه با «یاسر الحبیب» که در لندن است و لاطائلات می‌بافد صحبت کنید که جلوی او را بگیرد.

کسی که در لندن است اصلاً دین و عقل ندارد و اصلاً دیوانه است و حسابش از این افراد جداست. ما با این افراد در یک جلسه دو سه ساعته صحبت کردیم و خدمت آیت الله یزدی عرض کردیم که این افراد حرف شنوی ندارند.

آنها چیزی را به عنوان عقیده خود قرار دادند و حاضر نیستند که از عقیده خود برگردند. این‌ها به صراحت این شهادت را دارند که می‌گویند ما جمهوری اسلامی را اسلامی نمی‌دانیم، اما مبارزه با این جمهوری را هم یا صلاح نمی‌دانیم و یا شرعاً جایز نمی‌دانیم.

این‌ها یک سال هفته وحدت را هفته براءت اعلام کردند و هفته، هجده شبکه ماهواره‌ای هم در اختیار دارند. ما جلسه‌ای در تهران داشتیم که متعلق به هیئت امنای بنیاد بین المللی غدیر زیر نظر آیت الله خزعلی بود. آیت الله امامی کاشانی و آیت الله مهدوی و افراد بسیاری در این همایش بودند. من کنار جناب آقای محمدی گلپایگانی رئیس دفتر مقام معظم رهبری بودم و صحبت می‌کردیم.

ایشان در آنجا مطرح کرد که از طرف مقام معظم رهبری به این آقایان در قم پیام دادیم که اگر می‌خواهید از این توطئه‌ها به راه بیندازید و هفته براءت اعلام کنید، جایتان در ایران نیست. لطف کنید به خارج از ایران تشریف ببرید و آنجا هر کاری خواستید انجام دهید.

بعد از این پیام، در رسانه‌های آنها، هفته براءت برای همیشه برجیده شد و تا الان که تقریباً هفت سال از این قضیه می‌گذرد به واسطه یک اولتیماتومی که از طرف دفتر مقام معظم رهبری داده شد از آن دست برداشتند.

من معتقدم که ما باید بتوانیم دشمن را به مخالف، مخالف را به بی‌تفاوت و بی‌تفاوت را به دوست مبدل کنیم. ما نباید کاری کنیم کسی که بی‌تفاوت است را به دشمن مبدل کنیم، زیرا به صلاح ما نیست.

ما یک سری خط قرمزهایی داریم. هرجایی که خط قرمزهای ما به خطر بیفتد ما باید با شهادت جلو بیاییم.

بنده در سال ۱۳۹۱ که آمریکا بودم، در جامعه اسلامی شیعیان سخنرانی داشتم که با فاصله شش متری با سازمان ملل بود. آقای آمد و در رابطه با آقای «کروبی» مطالبی بیان کرد و من هم همانجا با صراحت جواب دادم.

یکی از رفقای ما جلو آمد و گفت: آقای قزوینی می‌دانید کجا هستیم! من گفتم: چطور؟ او گفت: سازمان ملل در نزدیکی شماست. آن‌ها زبان آدم را از پشت گردنش می‌کشند.

من گفتم: اگر من در اینجا نتوانم از نظام جمهوری اسلامی دفاع کنم، برای لای درز دیوار خوبم. این شخص شبهاتی مطرح کرد و من هم دفاع کردم.

اگر از نظر مقررات آمریکا کار من خلاف است، می‌تواند طبق قانون با من برخورد کنند و از آن‌ها گلایه هم نمی‌کنم. من به وظیفه خودم عمل کردم و آن‌ها هم به وظیفه خود عمل کنند.

بسیاری از آقایان معتقد بودند که موقع برگشتن در فرودگاه اجازه بازگشت به ما نمی‌دهند. زمانی که در سانفرانسیسکو برمی‌گشتیم حدود چهل تن از رفقای شیعه به مشایعت ما آمده بودند.

آن‌ها به این هم اکتفا نکردند و گفتند: بعضی از افراد را سوار هواپیما کردیم و به خانه خود رفتیم و بعد اف بی آی آن‌ها را از داخل هواپیما بیرون کشاند و به زندان آورد. لذا یکی از دوستان مشایعت کننده ما، بلیط گرفت و از آمریکا به امارات آمد، سپس ما را سوار هواپیمای ایرانی کرد و برگشت.

بنابراین توجه کنید که اگر خط قرمز ما به خطر بیفتد وظیفه ما دفاع کردن است، اما دفاعی که قرآن کریم می‌فرماید:

(فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيْنَا)

اما به نرمی با او سخن بگوئید.

سوره طه (۲۰): آیه ۴۴

(وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا)

و به مردم نیک بگوئید.

سوره بقره (۲): آیه ۸۳

باید این فرمایشات قرآن کریم برای ما ملاک باشد، نه فحش و اهانت و توهین. مادامی که این افراد خط قرمز را مورد حمله قرار ندادند، ما نباید طوری آنها را تحریک کنیم که آنها شروع به آمدن به طرف خط قرمز ما کنند.

پرسش:

تحلیل شما از شخصیت آیت الله العظمی سیستانی چیست؟

پاسخ:

عراق عمدتاً تابع آیت الله العظمی سیستانی است. علی رغم اینکه ماه رمضان همین سالی که گذشت عید فطر در ایران روزی شد که طبق نظر آیت الله العظمی سیستانی آن روز عید نبود.

بسیاری از مراجع تقلید نجف هم نظرشان با ایران موافق بود، اما مردم عراق طبق فتوای آیت الله العظمی سیستانی عید فطر را برگزار کردند. سال گذشته اربعین ما عراق بودیم و نظر آیت الله العظمی سیستانی تفاوت داشت. تمام مردم عراق طبق فتوای آیت الله العظمی سیستانی اربعین را برگزار کردند.

الآن محوریت در عراق آیت الله العظمی سیستانی است. الحق و الانصاف ایشان بسیار جانانه به میدان آمده است و مردانه ایستاده است و در قضیه «نوری مالکی» و قضیه اخیر ورود بسیار عاقلانه کرده است.

یکی از علمای بزرگ عربستان سعودی گفت: اگر اهل سنت عراق دست و پای آیت الله العظمی سیستانی را ببوسند کار کمی انجام دادند.

اگر رهنمودهای ایشان نبود، بعد از قضیه انفجار حرمین شریفین، شیعیان، اهل سنت عراق را قتل عام می کردند. آیت الله العظمی سیستانی جلوی خونریزی اهل سنت در عراق را گرفت.

درباره «صالحی نجف آبادی» که مطالبی در رابطه با آیه تطهیر نقل می‌کند، نظرتان چیست؟

پاسخ:

ایشان انحرافات در یک سری قضایا داشتند. بنده خودم مکاسب را خدمت ایشان خواندم و جزو شاگردان ایشان بودم. بنده در قضیه «شهید جاوید» مقالات مختلفی نوشتم، در سر درس با ایشان چندین مرتبه درگیر شدم.

ایشان گفتند: از میان افرادی که با من مخالف هستند، تنها کسی که مؤدبانه با من حرف می‌زند شما هستید. شما حرفی که آن‌ها می‌زنند را می‌زنید، اما در کلامتان فحش نیست.

ما به هیچ وجه ایشان را به عنوان یک عالم شیعی دوازده امامی مستقیم در خط ولایت نمی‌دانیم. ما نمی‌دانیم از کجا سرچشمه گرفت، اما ایشان ابتدا اینطوری نبود. ایشان را تحریک کردند، سپس قضیه «شهید جاوید» را نوشت.

به نظر بنده که البته شاید نظر صحیحی نباشد، برخورد حوزه علمیه با ایشان برخورد صحیحی نبود. ما باید تلاش کنیم که دشمن را به مخالف، مخالف را به بی‌طرف و بی‌طرف را به دوست تبدیل کنیم.

ما می‌آییم اگر کسی نقطه ضعفی دارد به قدری به سر او می‌گوییم و کاری می‌کنیم که او جری شود. زمانی که او جری شد همانند امثال «سید مصطفی طباطبایی» و «ابوالفضل برقی» می‌شود.

برخورد نادرست حوزه علمیه سبب شد که «ابوالفضل برقی» برای وهابیت به بت تبدیل شود. آن‌ها مرتب صحبت‌های او علیه شیعه را در شبکه‌های خود مطرح می‌کنند.

بنابراین بنده دست تک‌تک عزیزان را می‌بوسم و عرض می‌کنم که بنده زجر زیاد کشیدم. بنده از زمان قضایای «دکتر شریعتی» و مسائل دیگر، کم و بیش حضور داشتم.

گلایه بنده این است که ما تنها به زبان می‌گوییم، اما به آیه شریفه (وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا) عمل نمی‌کنیم. خداوند متعال نمی‌فرماید: «قولوا للمؤمنین حسنا»، بلکه می‌فرماید: (وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا).

مشاهده کنید که ما در تاریخ بشریت فاسدتر از فرعون نداریم. او برای اولین بار و آخرین بار گفت:

(أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى)

من پروردگار بزرگ شما هستم!

سوره نازعات (۷۹): آیه ۲۴

نه قبل از او کسی چنین حرفی را زده است و نه بعد از او کسی چنین حرفی را گفته است. او اولین کسی است که می‌گوید:

(وَ قَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانَ ابْنِ لِي صِرْحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ)

فرعون گفت: ای هامان! برای من بنای مرتفعی بساز شاید به وسائلی رسم.

(أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ فَأَطَّلِعَ إِلَى إِلَهِ مُوسَى)

وسائلی (صعود به) آسمان‌ها، تا از خدای موسی آگاه شوم.

سوره غافر (۴۰): آیات ۳۶ و ۳۷

مشاهده کنید زمانی که خداوند عالم به حضرت موسی و حضرت هارون مأموریت می‌دهد که به سمت او بروند، ابتدا می‌فرمایند:

(فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى)

اما به نرمی با او سخن بگوئید شاید متذکر شود یا از (خدا) بترسد.

سوره طه (۲۰): آیه ۴۴

ما با تندى و ناسزا كجا را فتح كرديم؟! مشاهده كنيد كه امروز «اللهياري» يا «ياسر الحبيب» اين همه فحش دادند، كجا را فتح كردند!؟

شما حتماً کلیپ «اسپایکر» را دیدید. در هفته اول که داعش موصل را گرفتند، هزار و هفتصد نفر از بچه شیعه‌ها را در دانشکده افسری موصل قتل عام کردند.

می‌توانید کلیپ آن را ببینید که طرف گلوله بر شقیقه شیعیان می‌گذارد، می‌گوید: این انتقام توهین «یاسر الحیب» به عایشه است؛ «هذا انتقام عایشة فی النار».

زمانی که بنده کابل بودم یکی از اساتید به نام، جناب آقای «نوری» برای من نقل کرد و گفت: ما با مینی‌بوس به مزار شریف می‌آمدیم. در آنجا چند تن از طالبان جلوی ماشین ما را گرفتند و دو تن از بچه شیعه‌ها را پایین آوردند و جلوی زن و بچه آن‌ها به قدری به آن‌ها گلوله زدند که بدنشان همانند لانه زنبور شد.

یکی از آن‌ها داخل ماشین آمد و گفت: به «شیخ اللهیاری» پیام بدهید که جواب توهینی که به ابوبکر و عمر می‌کند این است.

آیا این درست و صحیح است؟ اگر ما منطق صحیح جلو بیاییم چنین نخواهد شد. بعضی از آقایان به ما خرده می‌گیرند که شما تعاملتان با اهل سنت بیشتر است و احترام بیشتر می‌کنید.

بنده اتفاقاً روزی موبایلم را خدمت جناب آقای «محمدی گلپایگانی» دادم و ایشان پیامک را خواندند و اشک در چشمانشان حلقه زد. این نتیجه برخورد خوب است: "سلام خدمت استاد ارجمند. چندی قبل شیعه شدم، زیرا بر اثر تحقیقات به این نتیجه رسیدم. شب عید غدیر همه قبیله که پانصد نفر بودند شیعه شدند."

کدام بهتر است؟! ما جایی بگوییم که جناب ابوبکر این کارهای خلاف را انجام داده است، اما یک مرتبه با توهین و ناسزا بگوییم که ابوبکر این کارهای خلاف را انجام داده است.

ما دنبال این هستیم که مطاعن آن‌ها را بیان کنیم. بنده به قدری در رسانه مطاعن خلفا را گفتم که والله یک صدم آن‌ها را نه «اللهیاری» گفته است و نه «یاسر الحیب» گفته است.

ما برای اینکه تندی آن را بگیریم ابتدا پیشوند «جناب» به نام خلفا اضافه می‌کنیم و می‌گوییم که او این جنایات را مرتکب شده است. زمانی که «جناب» را می‌آوریم تندی و فشار آن را می‌گیرد.

(لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى)

آقای «رشیدی» یکی از ماموستاهای بزرگ اهل سنت سنندج است و چندین بار در «شبکه جهانی ولایت» با ما بحث و جدل و مناظره کرده است. او در آخر می‌گوید: من به حقانیت جانشینی حضرت علی ایمان قطعی آوردم.

یکی از علمای بزرگ شرق کشور، حوزه علمیه ای با جمعیت صد و پنجاه طلبه دارد. من یک ساعت با ایشان بحث کردم. ایشان در آن جلسه هرچه از دهانش درآمد به من گفت و چند نفر هم شاهد بودند، اما برخورد من با ایشان خیلی دوستانه بود.

ایشان بعد از سه ماه به من زنگ زد و گفت: من می‌خواهم به قم بیایم و چند نفر از بزرگان قم هم باشند. من فهمیدم که کار تمام شده است.

او به قم آمد در حالی که آیت الله العظمی شبیری زنجانی، آیت الله العظمی سبحانی، آیت الله مقتدایی و آیت الله خزعلی در منزل ما حضور داشتند.

ما فیلم جلسه را داریم، اما ایشان گفتند که اگر فیلم آن را پخش کنید اهل سنت من را می‌کشند. ایشان گفت: نتیجه برخورد دوستانه آقای قزوینی در جلسه‌ای که با ایشان داشتم این بود که من تحقیق و بررسی کردم و احساس کردم مذهب شیعه حق است.

او گفت: من یک شب حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را در خواب دیدم و آن بزرگوار مرا به حرم امام رضا دعوت کرد. من به حرم امام رضا رفتم و در آنجا هم چنین خوابی دیدم.

بعد گفت: آقایان شما شاهد باشید که «أشهد أن لا إله إلا الله، أشهد أن محمداً رسول الله، أشهد أن علياً ولي الله».

دوستان گفتند که وقت تمام است و اگر خداوند توفیق دهد در جلسات دیگری که در خدمت بزرگواران باشیم ادامه بحث را خواهیم داشت. اجازه بدهید دعا کنیم، زیرا قطعاً این دعاها به اجابت می‌رسد.

خدایا تو را به آبروی امام حسین و اصحاب و یارانش سوگند می‌دهیم فرج مولایمان حضرت بقیة الله الأعظم را هرچه سریع‌تر نزدیک بگردان. خدایا ما را از یاران مخلص و سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار بده. خدایا انقلاب ما را به انقلاب جهانی‌اش متصل بفرما.

خدایا خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهل بیت بالأخص مقام معظم رهبری موفق و مؤید بدار. خدایا رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنما.

خدایا بر تمام بیماران، بیماران مورد نظر ما از جمله اخوی زاده ما که در بیمارستان امام رضاست و دکترها از او ناامید شدند را شفای عاجل کرم فرما.

خدایا به آبروی امام حسین حوائج همه و حوائج جمع ما را برآورده نما. خدایا دعاهاى ما را به اجابت برسان.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، صدیقین، صالحین، شهداء بالأخص امام راحل صلواتی ختم بفرمایید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته